



عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَايِسُ»

الكافي، جلد ۱، صفحه ۲۶

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

آزادی قدس آرمان ادیان ابراهیمی

شناسنامه مطلب	
کد مطلب	b-138
رده	بصیرتی/تحلیل/تحلیل‌ها/حوادث و وقایع
برچسب	قدس، صهیونیسم، بوی خون، یهود، خیبر
توضیحات	

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

«قدس» فقط بقعه‌ای نیست، سرزمینی است که با انبیاء الهی و ادیان ابراهیمی، پیوند عمیقی دارد. هزاران سال است که ادیان الهی به آن می‌نگرند و آن را «مبدأ» و «مقصد» خویش می‌دانند. مبدأ بندگی و مقصد بندگی و از این‌روست که در طول این هزاران سال، قدس از سوی شیاطین جن و انس مورد تهاجم قرار گرفته است. از آغازین روزگار ادیان، آزادی قدس و به اسارت درآمدن آن به موازات هم پیش رفته و قدس گاهی آزاد و گاهی در بند بوده است.

علامت آزادی آن، برگزاری عبادت آزاد رهروان ادیان در این مکان مقدس و علامت اسارت آن، قرنطینه شدن از سوی گروهی عنود و ممانعت از حضور بندگان از ادیان مختلف در آن بوده و هست. هم‌اینک قدس این قبه و قله بلند ادیان ابراهیمی، دوران اسارت خود را سپری می‌کند و فریاد آن برای آزاد شدن و فراهم آوردن همه متدینین ادیان ابراهیمی بلند است.

قدس انسانیت را به خویش فرامی‌خواند برای آزادی و متدینین اولین مخاطبان این فریاد زخمی قدس هستند. قدس ما را فرا می‌خواند تا آزاد شود و ما را به آزادی خود دعوت می‌کند و ما برای آزادی قدس باید ابتدا خود را آزاد کنیم؛ آزاد از ترس، آزاد از بندگی شیاطین انسان‌نما، آزاد از طواغیت و فراعنه، آزادی از هر آنچه برپای بسته و زمین‌گیر شده‌ایم، آزاد از هیاهوها و اغواهای قدیم و جدید، کهنه و مدرن، آزاد از تن‌آسایی و رخوت، آزاد از جلال و جبروت‌های بی‌محتوا، آزاد از برق تیغ و سنگینی سایه مرگ، آزاد از ماندن و مردن، آزاد از فرعون‌ها، نمرودها، بوسفیان‌ها و بوجهل‌ها. آری قدس می‌خواهد ما آزاد باشیم همان‌گونه که ابراهیم زمان ما، خمینی گفت: «روز قدس روز آزادی همه مسلمانان و آزادی همه مستضعفان است.» قدس امروز در اسارت یک «نژاد» است که انسانیت را «گروگان» گرفته است. صهیونیسم یک توطئه نژادی است و صهیونیست‌ها، انسانیت را به واژه یهودیت ترجمه می‌کنند و ترجمه دیگری را قبول ندارند اما برخلاف ظاهر، یهودیت و یهودی‌ها مترادف هم نیستند که در قدس به هم رسیده باشند. یهودیت یک مرام نژادی است که یهود و یهودی‌ها را هم به رسمیت نمی‌شناسد و درست از این رو یهودی‌ها، صهیونیسم را دینی نمی‌دانند و صهیونیست‌ها نیز آداب موسوی را خرافه می‌دانند و با هر چه نام «خدا» داشته باشد، می‌ستیزند. قدس از این رو در اسارت آنان است نه مکانی برای عبادتشان، صهیونیسم برای قدس آبرو و اعتباری قایل نیست و دیدیم که آریل شارون با چکمه و شمشیر وارد قدس و قبه الصخره شد و در آن خون ریخت و آرامش عبادت در زیر قبه قدس را به هم زد.

۵۲ سال پیش از آن هم، صهیونیست‌ها مسجدالاقصی را به آتش کشیدند که هنوز نشانه‌ها و دودهای آن بر سقف و دیوار و منبر و محراب قدس باقی است و سال‌هاست که صهیونیست‌ها با حفر تونل در زیرزمین قدس، خواب خراب شدن این قبه مقدس را دیده‌اند. آنان به نام «هیكل داوود»، میراث ابراهیم را ویران می‌خواهند. همان‌طور که الخلیل را به نام

«هبرون» از عباد و عبادت تهی کردند. تقسیم الخلیل، تقسیم انسان‌ها و انسانیت بود وگرنه چه نیازی به جداسازی پیروان ادیان ابراهیمی.

صهیونیسم یک دین نیست، پیرو هیچ دینی هم نیست، صهیونیسم یک «کالت» (Kalt) (فرقه سیاسی) است کالتی سیاسی که با یک بیانیه در «بال» (Ball) سوئیس شروع شده و البته ریشه و رشته در «زرسالاران قرن ۱۵ و ۱۶» و «قرون وسطی» دارد؛ خاندان روتشیلدها و راکفلرها نژادپرستان زراندوز که میراث‌خواران دوران تاریک اروپا هستند. صهیونیسم در صدد است

تاریخ جدیدی برای بشریت بنویسد. تاریخی که در آن «خون» حکومت می‌کند و هر که خونریزتر باشد صلاحیت بیشتری برای حکومت دارد. آنان پرستش را از خون شروع می‌کنند و بر سجده‌گاه‌هایشان خون جاری است و محرابشان بوی خون می‌دهد.

خون برای صهیونیست‌ها، اول داستان انسانیت و «قاییل» برترین نماد آن است. سرپنجه‌های صهیونیسم که به شکل مشعل خاموش خودنمایی می‌کند، در مرکز خود به «صلیب» می‌رسد تا یادآور تلاش اسلافشان در قتل عیسی باشد. آنان امروز بر مراکز قدرت‌های مسیحی سوار شده‌اند و ابایی ندارند که از ماجرای قتل عیسی مسیح که خداوند او را از دام آنان رست، با افتخار سخن بگویند.

از نظر سران صهیونیسم ماجرای یهودا و مسیح تمام نشده است و باید هر مسیحی در مصاف با ابناء یهودا زخم سرپنجه‌های صهیونیسم را بپذیرد و صهیونیسم بر قتل و هدم مسیحیت و هر مسیحی کمر بسته است و امروز با بدمستی کاخ‌های الیزه و باکینگهام و سفید را زیر سلطه گرفته است. اما به این مقدار رضایت نمی‌دهند آنان تا نغمه‌های روحانی کلیساها را خاموش نکنند، از پای نمی‌نشینند.

صهیونیسم یک «کالت» است و بر نژاد و خون تکیه دارد و تاریخ را با خون می‌نویسد و از خون آغاز می‌کند. صهیونیسم اگرچه یهودی نیست اما به نام یهودیان در صدد بازگشت به خیر است و می‌خواهد سرزمین مسلمانان را به بنی قریظه، بنی المصطلق و بنی قینقاع بسپارد و چون می‌داند از این اقوام عرب چیزی باقی نمانده است، در کاخ‌های حجاز و ابوظبی و کویت و مسقط و دوحه دنبال بردگانی می‌گردد تا بساط صهیونیست‌ها را به نیابت از بنی قریظه در سرزمین وحی پهن کند. صهیونیسم در اینجا نیز از خون شروع کرده است و تاریخ را با خون می‌نویسد، جنگ در یمن و به ندرت بین اعراب مسلمان شبه‌جزیره و دشمن‌پراکنی بین عرب و ایرانی دامن می‌زند و این بار هم بوسفیان‌ها و بوجهل‌ها و عکرمه‌ها را به بند «ائتلاف» درآورده است.

اما این یک روی سکه قدس است، روی دیگر این سکه به تقدیر الهی ترسیم شده است، پیروزی ابراهیم بر نمرود، پیروزی موسی بر فرعون، پیروزی

عیسی بر هامان، و بر یهودا و فتنه‌گران سنت هدرین، پیروزی محمد بر خیبر و خاقان، پیروزی علی بر ابناء بوسفیان و پیروزی قدس بر صهیونیسم.

حکایت این سلسله ابراهیمی، حکایت خاک نیست، توسعه‌طلبی مادی نیست، سلطه و سیطره نیست، انتخاب سلاح بر صلح نیست، حکایت این سلسله، آزادی است. در این داستان، قدس نماد آزادی است؛ آزادی انسان، آزادی دین، آزادی پیامبران و آزادی خدا، انسان که بی‌حصار پرستیده شود و انسان که هیچ کس بنده بنده‌ای نباشد و از هر سلام و سجودی گل بندگی شکفته شود، آن‌گونه که صلا داده‌اند «لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرا».

صهیونیسم با سلاح به میدان آمده تا صلح میان مؤمنین را براندازد و سپس به نام صلح، انسانیت را به بند بکشد. امروز اما سلاح و صلح صهیونیسم رنگ باخته و صلح میان بندگان در دسترس قرار گرفته است. انقلاب اسلامی ایران چهل سال پیش، صهیونیسم را از واقعیت به «وهم» تبدیل کرد و ماشین صهیونیسم را متوقف کرد. از آن پس صهیونیسم به گدایی در کمپ دیوید و آنابولیس و... افتاد. حالا صهیونیسم حصارگر در محاصره فرزندان ابراهیم، موسی، عیسی و محمد است؛ حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد فلسطین، انصارالله یمن، حشد عراق، مقاومت سوریه و دهها فصیله و کتیبه در جای جای منطقه هستند و اسرائیل در گرداب دست و پا می‌زند.

امروز دولت در تل‌آویو رنگ باخته است، انتخابات پی‌انتخابات و همچنان در خانه اول. تهوید (یهودی‌سازی) فلسطین سخن یاهوای است و «معامله قرن» قادر به جان دادن به آن نیست. ماشین تهوید فلسطین ۷۰ سال است که به گل نشسته و در باقی‌مانده از عمر صهیونیسم نیز به جایی نمی‌رسد. دربارها و «عبدالعزیزها» دیگر نمی‌توانند با امضای ورقه‌ای راه‌گشای تهوید باشند. بن‌سلمان‌ها، بن‌زایدها و دیگر ابناء پادشاهان از پس آن بر نمی‌آیند.

صهیونیسم اینک به جای دل بستن به دو خط آبی در پرچم خود، به دیوارهایی می‌اندیشد تا آن را از نگاه پرنفرت فلسطینی حفظ کند. صهیونیسم از نیل تا فرات اینک به دولتی نیمه‌جان در تل‌آویو تبدیل شده است. از نیل تا فرات و تا هر جا، به از تل‌آویو تا قدس غربی تبدیل شده است. صهیونیسم امروز در مرزهای شمالی فلسطین اشغالی، مانور نظامی برگزار می‌کند تا بلکه به تونل‌هایی دست یابد که از آن، هر لحظه در بیم هجوم حزب‌الله قرار دارد و در مرزهای جنوبی در اندیشه تونل‌هایی است که هر لحظه از آن در بیم رزمندگان فلسطین از سینا تا غزه و کرانه است. صهیونیسم امروز به پنجره‌های واشنگتن و ایپک دخیل بسته است، اما با نومی‌دی، سرنوشت نظامیان آمریکایی در عراق و سوریه را نظاره می‌کند. همان که آیت‌الله خامنه‌ای، اخراج آمریکا از منطقه را خون‌بهای سردار سلیمانی دانست. صهیونیسم خونریز

می‌داند که مراوده سنتی با کاخ‌های الیزه و باکینگهام و سفید دیگر معجزه نمی‌کند و زمان بالندگی تمدنی و سیاسی غرب به پایان نزدیک شده است.

صهیونیسم می‌داند که غرب که پناه اصلی او در این تاریخ ۷۲ ساله بوده اینک گرفتار انبوه حوادث است و نمی‌تواند کمکی به ادامه حیات صهیونیسم نماید و از این رو امروز زمزمه پایان اسرائیل در منازل و پادگان‌های تل‌آویو نیز به گوش می‌رسد. پروژه صهیونیسم تمام شده و همان‌گونه که سازنده سریال مصری رمضان گفت اسرائیل صد سالگی نخواهد داشت.

اما در عین حال صهیونیسم هنوز خون می‌ریزد، هنوز بمب می‌ریزد، هنوز ترور می‌کند، هنوز به آسمان لبنان و زمین سوریه تجاوز می‌کند، هنوز نقشه می‌کشد و فلسطینی‌های محصور غزه را بمباران می‌کند، هنوز برده‌های عرب را با قیمت ناچیز می‌خرد، هنوز به دربارهای منطقه چشم دوخته است و اینها به معنای آن است که باید فریادها رسا بمانند، مشت‌ها فرود آیند و گام‌ها در راه قدس استوار بمانند. قدس در چند قدمی آزادی است و باید این راه تا آخر پیموده شود.

نویسنده: آقای سعدالله زارعی

<http://kayhan.ir/fa/news/188274>